

## اهمیت منابع انسانی در تولید ملی

دکتر برزو فرهی بوزنجانی  
دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)،

یعقوب ممبینی  
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت  
صنعتی، دانشگاه گیلان،

در سال تولید ملی، باید بیش از پیش با شناخت ظرفیت های کلان اقتصادی کشور و تبیین نیازها با بهره گیری از نیروی انسانی کارآموده ضمن پاسخ گویی به نیازهای زمانی، زمینه های لازم برای رشد و توسعه کشور را فراهم کرده و مبانی و پایه های استقلال و عزت ملی کشور را مستحکم کرد. تولید ملی از مهمترین مؤلفه های تأثیرگذار و بی اثرکننده توطئه ها و تحریم های دشمنان است. مهمترین عوامل در تولید ملی منابع مادی و انسانی می باشند. منابع مادی نتیجه تلاش ها و کوشش های فکری بشر در طبیعت و به نحوی وابسته به منابع انسانی می باشند. نقش منابع انسانی در پیشبرد امور یک جامعه دارای آن چنان اهمیتی است که مؤثرترین رکن تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می گردد. پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی نیز تجهیز نیروی انسانی متعهد، متخصص و ماهر و افزایش مهارت های مداوم او را اجتناب ناپذیر می سازد. در دنیای امروز نیروی انسانی با ارزش ترین منبع سازمانی محسوب می شود. منابع انسانی به سازمان معنا و مفهوم بخشیده و زمینه تحقق اهداف سازمانی را فراهم می کنند. امروزه بیش از هر زمان دیگر مشخص شده است که رشد و توسعه سازمان ها و در پی آن یک جامعه و کشور در گرو استفاده صحیح از نیروی انسانی است.

**واژگان کلیدی:** منابع انسانی، بهره وری نیروی کار، تولید ملی، عوامل تولید، رشد اقتصادی.

### ۱- مقدمه

منابع انسانی با ارزش ترین منبع سازمانی در فرآیند خلق ثروت می باشند که مهمترین اهداف بنگاه اقتصادی در جهت حداکثر نمودن ارزش بنگاه و ثروت مالکان و تأمین خواسته ها و انتظارات ذینفعان است. نقش مؤثر نیروی انسانی را می بایست در نقش و کارکرد مدیریت تبیین نمود. (رهنمای رودپشتی و محمدزاده، ۱۳۸۷: ۱۴)

کسانی که کم و بیش با مسائل اقتصادی سرو کار دارند، می دانند که بنگاه های اقتصادی معمولاً از کارگران به منزله یکی از عوامل مهم و مؤثر در امر تولید استفاده می کنند، صرف نظر از این که عامل کار را در تولید از دیگر عوامل تولید مهمتر بدانیم یا نظر دیگری داشته باشیم، موضوعات و مسائلی درباره عامل کار در تولید وجود ندارد که پرداختن به آنها در محدوده اقتصاد کار یا اقتصاد نیروی انسانی قرار نگیرد. (سیحانی، ۱۳۷۲: ۵)

هر سازمانی که موضوع پرورش منابع انسانی یعنی یافتن، آموزش، به کارگیری استعدادها و توانمند سازی منابع انسانی خود را جدی بگیرد، در زمینه فعالیت خود کامیاب شده و کارکرد و دارایی آن نیز افزایش خواهد یافت. بزرگی هر سازمان به اندازه کسانی است که برای آن کار می کنند. رشد کسب کار و کار بر محور کارکنان آن دور می زند، و یا کامیابی یا شکست آن به یافتن مردمانی شایسته و مناسب بستگی دارد که برای انجام دادن کار های آن پیدا می شوند. (ماتسوشیتا، ۱۳۷۲: ۸)

رهبر معظم انقلاب در سال های اخیر با نام گذاری سال ها گام بلند دیگری در مایوس کردن دشمنان انقلاب اسلامی برداشته اند و ملت استوار ایران را در مقابله با هر گونه تحریم ها و تهدید ها بسیج کرده اند. حال با شروع سال ۹۱ و موج تحریم ها و تهدید های دشمنان، معظم له با نام گذاری این سال به نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی بار دیگر ثابت کرده اند که ایران اسلامی بر مواضع خود در دستیابی به فناوری های روز دنیا به هیچ وجه کوتاه نمی آید و با تمام قدرت در راه رسیدن به کامل ترین و بهترین فناوری های روز دنیا تلاش می کند. روشن است

که یکی از بزرگترین حربه های دشمنان در مقابل موج خروشان ملت ایران تحریم های متعددی است که به مرحله اجرا گذاشته اند و برای مقابله با این تحریم ها، تولید ملی یکی از بهترین راه های موجود است که می تواند امید دشمنان را تبدیل به یأس و ناامیدی کند. منابع انسانی خلاق و توانمند به عنوان مهمترین عنصر تولید ملی نقش تعیین کننده ای را در پیشبرد اهداف و سیاست های کلان کشور ایفا می کند.

شکی نیست که یکی از کامیابی های انقلاب اسلامی زنده کردن نگاه ملی و استقلال طلبی و خودباوری در عرصه های اقتصاد و دانش است. این روحیه و دیدگاه اگر چه در دوره های مختلف فراز و فرودهایی داشته، اما بر همان صراط مستقیم استوار مانده است.

هدف گذاری امسال نیز فرصتی بس مغتنم برای تقویت سرمایه و نیروی کار داخلی و درنهایت کشاورزی و صنعت و در یک کلمه تولید ایرانی می گردد؛ تولیدی که سفیر هویت و توان اقتصادی کشور و نشان قوت علمی و مدیریتی این سرزمین و کمک کار استقلال و عزت سیاسی ملت ما است.

در این مقاله پس از تشریح تولید ملی از بعد اقتصادی، مهمترین عوامل مؤثر در تولید ملی مورد بحث قرار می گیرد. سپس اهمیت و ضرورت منابع انسانی به عنوان مهمترین و اصلی ترین رکن تولید مورد بررسی قرار می گیرد.

## ۲- تولید ملی و درآمد ملی<sup>۱</sup>

از آن جایی که در این مقاله به بررسی اهمیت منابع انسانی در تولید پرداخته می شود لذا لازم است تا در ابتدای بحث مطالبی را در مورد تولید ملی از دیدگاه اقتصادی بیان کنیم تا مطالب قابل فهمتر و روان تر گردند.

بحث تولید ملی در اقتصاد کلان<sup>۲</sup> مطرح است. اقتصاد کلان بررسی فعالیت های اقتصادی در سطح یک کشور می باشد. (نظری، اقتصاد کلان، ۱۳۸۸: ۱۳) در حالی که اقتصاد خرد<sup>۳</sup>، بررسی فعالیت های

اقتصادی در سطح بنگاه ها و افراد می باشد. (نظری، اقتصاد خرد، ۱۳۸۸: ۱۲) در اقتصاد کوچکترین واحد تولید کننده را بنگاه و کوچکترین واحد مصرف کننده، خانوار است.

برای به دست آوردن درآمدی که مصرف کنندگان را قادر به تقاضا برای کالاها و خدمات تولید شده در جامعه کند، یک یا چند عضو از هر خانوار باید منابعی را که در اختیار دارند عرضه کنند. این منابع شامل نیروی کار فیزیکی، نیروی کار فکری و داراییها (به صورت مختلف و متنوع آن) است. همچنین می توان سازمان دهندگان یا مدیران را نیز به عنوان بخشی از نیروی کار ماهر به حساب آورد که مانند بقیه نیروی کار، خدمت خود را به صورت سازماندهی و مدیریت در تولید ارائه می دهند. (روزبهان، ۱۳۸۸: ۱۴)

در اقتصاد کلان به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که امکانات محدود یک کشور مثل سرمایه، بودجه، زمین و ... چگونه تخصیص یابد تا برای رسیدن به اهداف جامعه (همچون تولید، اشتغال، بهبود توزیع و درآمد، ثبات قیمت ها و تعادل تراز پرداخت ها و ... ) بیشترین کمک را بنماید. البته دقت داشته باشید که اهداف جامعه در کوتاه مدت ممکن است با یکدیگر ناسازگار باشند، یعنی اتخاذ یک سیاست ممکن است به تولید کمک نماید ولی به توزیع درآمد لطمه بزند. ناسازگاری بین اهداف اقتصادی جامعه، به پیچیدگی سیاست گذاری در اقتصاد کلان می افزاید. (نظری، اقتصاد کلان، ۱۳۸۸: ۱۳)

## ۲-۱- شاخص های اصلی اقتصاد

به طور کلی عملکرد هر اقتصادی را بوسیله سه شاخصه اصلی، رشد تولید ملی (رشد اقتصادی)، نرخ اشتغال و نرخ تورم ارزیابی می کنند.

رشد اقتصادی بالا به مفهوم افزایش در تولید کالاها و خدمات در سطح ملی و به معنای رفاه اقتصادی بیشتر برای مردم است. در شرایط عادی و در طول زمان، تولید ملی تمایل به افزایش دارد. دلیل رشد طبیعی تولید ملی در طی زمان، از یک طرف به دلیل افزایش کمی عوامل تولید نظیر افزایش در نیروی کار و سرمایه فیزیکی است و از طرف دیگر به سبب افزایش کیفی عوامل تولید،

یعنی افزایش بهره‌وری آن ها، به خصوص از طریق ارتقا و بهبود تکنولوژی در سطح ملی است. (روزبهان، جلد دوم، ۱۳۸۸: ۱۵)

همچنین طبق قانون اوکان<sup>۴</sup> (اقتصاد دان معروف آمریکایی) رابطه مستقیمی بین افزایش تولید ملی و میزان اشتغال وجود دارد. به عبارت دیگر، برای افزایش تولید ملی احتیاج به استفاده بیشتر از عوامل تولید است. از طرفی دیگر، در مواقع رونق اقتصادی (یعنی تمایل به بسط تولید) تقاضا برای عوامل تولید بیشتر می شود. به بیان روشنتر رابطه مستقیمی بین تولید ملی و اشتغال، و یا رابطه معکوسی بین تولید ملی و بیکاری وجود دارد. (روزبهان، جلد دوم، ۱۳۸۸: ۱۸)

## ۲-۲- کارگزاران اقتصادی و وظایف آنها

### در اقتصاد کلان

فعالیت های اقتصادی در جامعه توسط کارگزاران اقتصادی صورت می گیرد. کارگزاران اقتصادی، اشخاصی هستند که فعالیت های اقتصادی انجام می دهند. در اقتصاد کلان، کارگزاران اقتصادی را به چهار دسته تقسیم می کنند: ۱- خانوارها؛

۲- بنگاه ها؛ ۳- دولت؛ ۴- خارجیان.

در اقتصاد کلان برای هر کدام از کارگزاران نقش ها و وظایف زیر را قائل می باشند:

خانوارها، صاحبان عوامل تولید (نیروی کار، زمین، سرمایه و ... می باشند. خانوارها عوامل تولید را در اختیار بنگاه ها قرار می دهند و به ازاء آن درآمد کسب می کنند. سپس این درآمد را صرف خرید کالاها (مصرفی) (مخارج مصرفی) و پس انداز می کنند. بنگاه ها، عوامل تولید را از خانوارها می گیرند، و کالا و خدمات را تولید می کنند، سپس این کالا و خدمات را به فروش می رسانند. نقش اقتصادی دولت نیز این است که مالیات را دریافت می کند و آن را خرج می کند. خارجیان نیز اشخاصی هستند که در خارج از مرز های ملی با آنان روابط اقتصادی (صادرات<sup>۵</sup> و واردات<sup>۶</sup>) داریم.

برای این که از مدل ساده ای شروع کنیم، ابتدا فرض می کنیم که در جامعه ای فقط خانوارها و بنگاه ها وجود دارند. به چنین مدل یا

5 - Arthur Okuns Law

6 - Export

7 - Import

1 - National Product

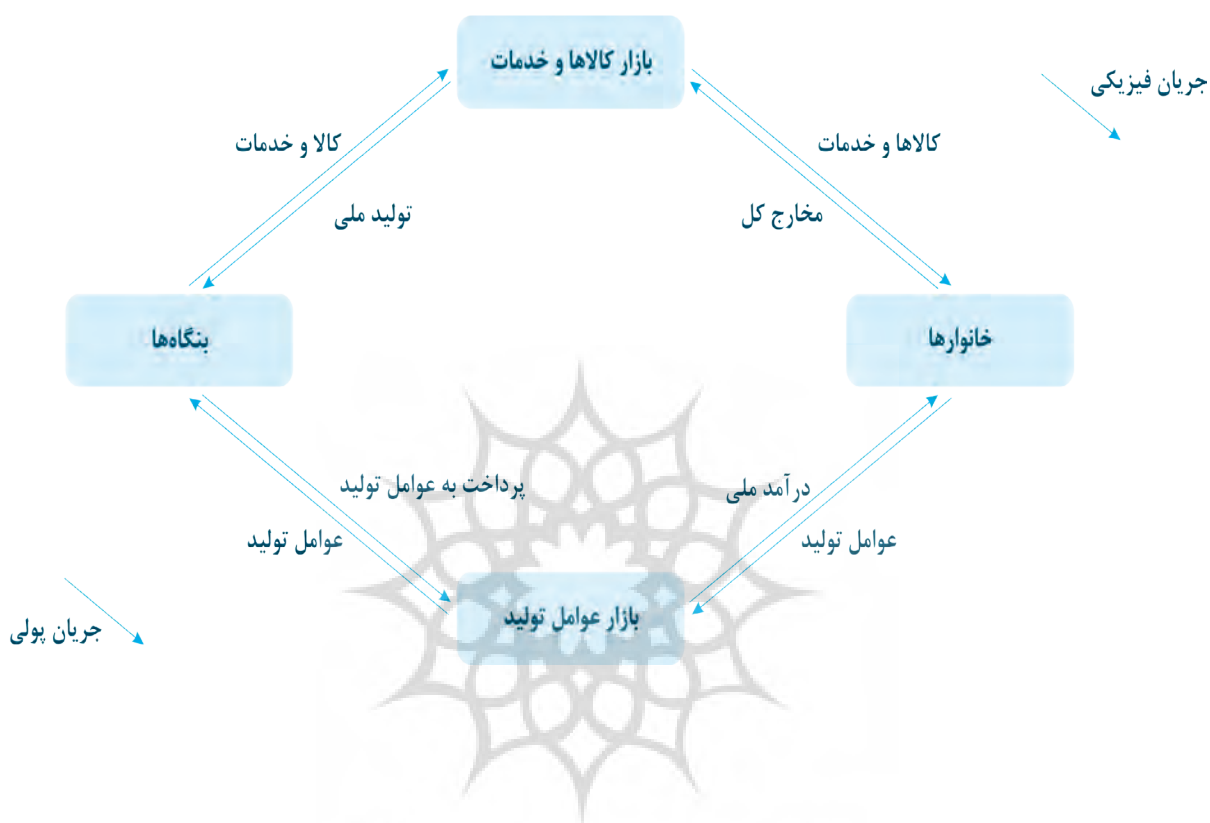
2 - National Income

3 - Macro Economics

4 - Micro Economics

اقتصادی، مدل (اقتصاد) دو بخشی گفته می شود، که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است. حال اگر دولت را نیز وارد کنیم، با مدل (اقتصاد) سه بخشی و در صورت در نظر گرفتن خارجیان در مدل، با مدل (اقتصاد) چهار بخشی یا اقتصاد باز سرو کار داریم. (نظری، اقتصاد کلان، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۳)

**نمودار شماره ۱- جریان مدور در آمد و تولید در حالت اقتصاد ساده بسته**  
(روزپهان، جلد اول، ۱۳۸۸: ۱۵)



تعریف دو اصطلاح درآمد ملی و تولید ملی به زبان ساده به صورت زیر است: درآمد ملی: مجموع تمامی درآمدهای به دست آمده به وسیله خانوارها، از جمله دستمزدها، اجارهها، بهره های دریافتی و سود در طول یک سال است. تولید ملی: مجموع ارزش پولی تمامی کالاها و خدمات تولید شده در اقتصاد در طول یک سال است. عوامل تولیدی که خانواده ها در اختیار بنگاه ها برای تولید محصولات و خدمات قرار می دهند عبارتند از: نیروی انسانی، زمین، سرمایه و مدیریت و بنگاه ها نیز در ازای آن ها پرداخت هایی از قبیل دستمزد، اجاره، بهره و سود انجام می دهند. (روزپهان، جلد اول، ۱۳۸۸: ۱۵)

**۲-۳- روش های محاسبه تولید ملی**

**۱- روش ارزش افزوده (تولید):** ابتدا ارزش افزوده همه کالاها و خدمات تولید شده در داخل را محاسبه می کنند و پس از کسر کارمزد احتسابی تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل به دست می آید.

ارزش افزوده هر کالا یا خدمتی برابر است با ارزش آن کالا یا خدمت منهای ارزش کالاها و خدمات واسطه ای به کار رفته در آن.

**۲- روش مخارج (هزینه):** ارزش تولید کل برابر با مخارج کل است و رابطه مخارج کل تولید کل، رابطه ای است که همیشه در اقتصاد برقرار می باشد. بنا بر این می توان مخارج کل یا هزینه کل را در کشور محاسبه نمود که در حقیقت همان ارزش تولید کل کشور می باشد. استدلال این روش این است که هر چه در کشور تولید می شود، به نحوی خرج می شود، پس باید از روش مخارج کل

(هزینه کل) با ارزش تولیدات کل برابر شود.

۳- **روش درآمدی:** ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در کشور همان ارزش افزوده است، که به صورت درآمد، بین عوامل تولید، توزیع می شود. بنا بر این اگر مجموع درآمد های ایجاد شده در کشور را برآورد کنیم، درآمد ملی کشور به دست می آید که از این طریق می توانیم، به سایر شاخص های حساب های ملی برسیم.

در محاسبات از طریق روش های فوق ممکن است اختلافاتی نمایان گردد که آن را به حساب اشتباهات آماری قرار می دهند. در آمار های ایران در محاسبه تولید از روش هزینه (مخارج)، رقمی به نام اشتباهات آماری (یا تغییر در موجودی انبار) وجود دارد که دلیل آن مسأله فوق می باشد. (نظری، اقتصاد کلان، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۰)

در ایران، بانک مرکزی، حساب های ملی ایران را به دو روش ارزش افزوده و مخارج، برآورد و منتشر می نماید. جهت آشنایی و درک بیشتر، نمونه ای از جداول حساب های ملی ایران را که بانک مرکزی منتشر می کند، در جدول شماره (۱) و (۲) ارائه می کنیم:

**جدول شماره ۱- هزینه ناخالص ملی ایران در سال ۱۳۸۲**  
(محاسبه حساب های ملی به روش مخارج) میلیارد ریال

به قیمت های سال ۷۶	به قیمت جاری	
۲۰۲۰۸۲	۵۰۰۴۹۷	هزینه مصرف خصوصی
۴۳۵۸۱	۱۳۸۱۷۶	هزینه مصرف دولتی
۱۳۳۸۵۵	۳۱۹۲۹۶	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۱۶۷۲۰	۱۲۲۴۷۵	تغییر در موجودی انبار <sup>۱</sup>
-۱۳۰۷۷	۲۷۲۷۳	خالص صادرات کالاها و خدمات
۲۰۳۲۸	---	نتیجه رابطه مبادله بازرگانی
۳۸۳۱۶۰	۱۱۰۷۷۱۷	هزینه ناخالص داخلی
-۳۲۴۹	-۲۲۶۶۷	خالص درآمد عوامل تولید از خارج
۴۰۰۲۴۰	۱۰۸۵۰۵۱	هزینه ناخالص ملی = تولید ناخالص ملی به قیمت بازار کسر می شود:
۵۳۴۴۷	۱۳۷۴۸۹	استهلاک سرمایه های ثابت
۴۱۵۱	۱۲۰۰۰	خالص مالیات های غیر مستقیم
۳۴۲۶۴۲	۹۳۵۵۶۲	درآمد خالص ملی به قیمت عوامل = درآمد ملی

مأخذ: خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی، سال ۱۳۸۲.

جدول شماره ۲- درآمد و تولید ناخالص داخلی بر حسب فعالیت های اقتصادی در سال ۱۳۸۲  
(به روش ارزش افزوده) میلیارد ریال

به قیمت های سال ۷۶	به قیمت جاری	
۵۳۳۴۵	۱۲۷۵۷۸	گروه کشاورزی
۴۴۴۹۳	۲۵۲۱۴۴	گروه نفت
۸۹۳۳۹	۱۹۹۹۴۳	گروه صنایع و معادن
۱۹۶۵۵۹	۵۴۲۱۸۵	گروه خدمات
		کسر می شود:
۴۷۲۷	۲۶۱۳۳	کارمزد احتسابی
۲۰۳۲۸	---	نتیجه رابطه مبادله بازرگانی
۳۷۹۰۰۵	۱۰۹۵۷۱۷	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل
-۳۲۴۹	-۲۲۶۶۷	خالص درآمد عوامل تولید از خارج
۴۱۵۱	۱۲۰۰۰	خالص مالیات های غیر مستقیم
۴۰۰۲۴۰	۱۰۸۵۰۵۱	تولید ناخالص ملی = درآمد ناخالص ملی (به قیمت بازار)
		کسر می شود:
۵۲۴۴۷	۱۳۷۴۸۹	استهلاک سرمایه های ثابت
۴۱۵۱	۱۲۰۰۰	خالص مالیات های غیر مستقیم
۳۴۲۶۴۲	۹۳۵۵۶۲	درآمد ملی

مأخذ: خلاصه تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی، سال ۱۳۸۲.

### ۳- اهمیت تولید ملی از منظر قرآن کریم

اهمیت تولید ملی را می توان در آیات متعددی از قرآن کریم مشاهده کرد. قرآن کریم در مورد قرار نگرفتن جامعه اسلامی تحت سلطه بیگانگان می فرماید:

« و خداوند هرگز بر (زبان) مؤمنان، برای کافران راه (تسلطی) قرار نداده است. »<sup>۱</sup> خداوند در این آیه شریفه با صراحت تمام بیان می کند که جامعه اسلامی باید در صدد باشد که در زیر سلطه بیگانگان و دشمنان قرار نگیرد. امام خمینی(ره) وابستگی اقتصادی را منشأ تمام وابستگی ها و در نتیجه قرار گرفتن در تحت سلطه بیگانگان می داند. ایشان می فرماید: « اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این موجب می شود که وابستگی سیاسی هم پیدا بکنیم، وابستگی نظامی هم پیدا بکنیم، مملکتمان باز برگردد به آن حالتی که سابق بود.»<sup>۲</sup>

پس برای این که بیگانگان سلطه ای بر جامعه اسلامی نداشته باشند باید به مرحله ای از تولید برسیم که کلیه کالاهای مورد نیاز جامعه در کشور تولید شود و نیازی به کشورهای بیگانه برای واردات بعضی از محصولات نداشته باشیم. قرآن کریم می فرماید: « و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید.»<sup>۳</sup> منطق قرآن کریم این است که هیچ گاه در برابر ظلم و ستم کوتاه نیایید و قدرت خود را برای مقابله هر چه تمام تر با آنها بسیج کنید. مقام معظم رهبری امسال را سال تولید ملی نام گذاری کردند و صراحتاً فرمودند: «ممکن است آمریکا خطرهایی برای کشورهای دیگر ایجاد کند؛ ممکن است دیوانگی کنند. البته من همین جا بگویم؛ ما سلاح اتمی نداریم، سلاح اتمی هم نخواهیم ساخت، اما در مقابل تهاجم دشمنان - چه آمریکا و چه رژیم صهیونیستی - برای دفاع از خودمان، در همان سطحی که دشمن حمله کند، به آنها حمله خواهیم کرد.»<sup>۴</sup>

مسلم است که یکی از بزرگترین عوامل برای مقابله با تهدیدات دشمنان رسیدن به مرحله ای است که نیازهای جامعه اسلامی در درون کشور تولید شود و نیازی به کشورهای دیگر وجود نداشته باشد.

خداوند متعال در آیات الهی به این حقیقت اشاره می کند که چشم داشتن به امکانات دیگران یکی از مهمترین عوامل

۱- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۴۱.

۲- بیانات امام خمینی در جمع انجمن اسلامی کارکنان وزارت صنایع و معادن: ۱۳۵۸.

۳- سوره مبارکه انفال، آیه ۶۰.

۴- بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم رضوی: ۱/۱/۱۳۹۱.

#### ۴- عوامل اصلی در تولید

بی گمان پس از استقرار انسان در زمین، نخستین گامی که او برداشت، تصرفات خلاقانه در موجودات زمینی برای بهره مندی بهتر از آن بود. این گونه است که انسان با صفات و عناصری چون خلاقیت، فعل، علم و مانند آن دست به هنری زد که از آن به تولید در علم اقتصاد یاد می‌شود؛ زیرا در منابع زمینی برای مقاصد خود، تغییراتی ایجاد کرد تا بهتر بتواند از آن استفاده کند. این تغییرات مثبت که انسان در هر یک از منابع زمینی ایجاد کرده به عنوان آبادانی، گامی برای بهره مندی بهتر از موجودات زمینی برای رشد و تکامل و تعالی خود بوده است. عوامل اصلی در تولید را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) سرمایه

انسانی ب) سرمایه مادی. از سرمایه انسانی گاه به عنوان منابع انسانی یا همان کار یاد می‌شود. از سرمایه مادی به عنوان منابع مادی و ثروت و مانند آن سخن به میان می‌آید. اگر دو عنصر سرمایه انسانی و مادی وجود نداشته باشد، هرگز چیزی به عنوان تولید یا فرآوری تحقق نخواهد یافت. از این رو تولید را برآیند طبیعی کار و سرمایه یعنی سرمایه انسانی و مادی دانسته اند؛ زیرا این انسان با عناصری چون خلاقیت، فعل و کار، اندیشه و فکر خود، در منابع مادی تصرف و تغییرات مثبتی را ایجاد می‌کند که به کالایا خدمات می‌انجامد و زمینه بهره مندی بشر از آن کالا را به شکل مناسب و مطلوبی فراهم می‌آورد. بنابراین، عناصر اصلی در تولید، کار و سرمایه است که می‌بایست وجود داشته باشد. اختلال و یا فقدان هر یک به معنای فقدان تولید خواهد بود.

#### الف) سرمایه و منابع انسانی

نیروی کار اصلی ترین و مهم ترین عامل تولید است و در اصل یکی از عواملی است که می‌تواند تا اندازه زیادی محدودیت‌ها و کمبودهای فیزیکی و مادی را در دیگر عوامل جبران کرده و به افزایش تولید، کمک اساسی کند؛ به عبارت دیگر، نیروی کار، فقط در توانایی فیزیکی کارگر خلاصه نمی‌شود. هر کارگر در واقع ترکیبی از اجزای مادی و کیفی است که به گواهی تاریخ، تفکر انسان بسیاری از کاستی‌ها و محدودیت‌های مادی را با تکیه بر نیروی فکر و استعداد انسانی، یا برطرف کرده، یا کاهش داده است. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۱۴)

در حقیقت تولید اقتصادی از دو نظر به منابع انسانی و کار او بستگی دارد؛ از نظر ایجاد تغییرات به کار بدنی و فیزیکی و از نظر چگونگی تغییرات مثبت به نیروی کار فکری بشر متکی است. از این رو منابع انسانی و کار انسان، مهمترین جایگاه و اهمیت را در تحقق معنا و مفهوم تولید اقتصادی دارا می‌باشند. تولید اقتصادی تنها زمانی معنا و مفهوم می‌یابد که کار فکری در کنار کار بدنی انسان، به چیزی که از آن به منابع مادی یاد می‌شود تعلق گیرد. انسان با اندیشه و فکر خود تغییرات مثبت در منابع مادی را شناسایی می‌کند و سپس با مهندسی، آن تغییرات را با کار بدنی انجام می‌دهد.

آنچه امروزه به نام تکنولوژی مطرح است، مگر چیزی غیر از تبلور عینی و تحولات شگرف فکر انسان در تسلط بر طبیعت است؟ حتی مدیریت که به منزله عامل تولید ذکر می‌شود در واقع، توان نیروی کار در اداره

سقوط یک جامعه است. جامعه ای که با وجود دارا بودن امکانات و استعداد های فراوان به امکانات دیگران چشم داشته باشد این جامعه نمی‌تواند از عزت کافی برخوردار باشد و برای بهره وری از امکانات دیگران باید در برابر آنها سر تعظیم فرود بیاورد و در برابر آنها خضوع و خشوع کند

خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) توصیه می‌کند تا به امکانات دیگران چشم نداشته باشد، «و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم (و فقط) زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و (بدان که) روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است.»<sup>۱</sup>

همچنین بیان می‌کند که در برابر امکاناتی که به دیگران داده ایم شما بر توانایی‌ها و امکانات خود تکیه کنید نه این که خود را با کشورها و شخصیت‌های مختلف مقایسه کنید و از کمبودهای خود غمگین و ناراحت بشوید چرا که این طرز تفکر نشانه عدم رشد کافی و احساس حقارت درونی و کمبود همت می‌باشد.

ملتی که می‌خواهد در برابر مستکبران دنیا با عزت و سربلندی قدم کند به جای این که مدام خود را با سرمایه‌ها و پیشرفت‌های آنها مقایسه کند، نیروی فکری و جسمانی خویش را در راه رشد و ترقی خویشتن به کار می‌گیرد، و به خود می‌گوید من چیزی از دیگران کمتر ندارم و دلیلی ندارد که نتوانم از آنها پیشرفت بیشتری کنم، من چرا به امکانات و پیشرفت‌های آنها که آن هم فقط در جهت مادی است و در بحران معنویت دست و پا می‌زنند، چشم بدوزم من خودم بهتر و بیشتر تولید می‌کنم.<sup>۲</sup>

اسلام توصیه می‌کند که تولیدگران باید کار خود را جهاد و عبادت در راه خدا بدانند. قرآن می‌فرماید که بعد از نماز جمعه، به دنبال کار بروید که همانا توجه به اهمیت تولید را بیان می‌دارد. اسلام با قمار مخالف است و آن را حرام می‌داند زیرا در این بین تولیدی صورت نگرفته است، دارایی را کد است و تلاشی برای تولید صورت نگرفته است. ائمه اطهار نیز کار کشاورزی انجام می‌دادند. در حدیث آمده است فردی که در حال عبور از راهی بود امام صادق(ع) را در حال کار کردن بر روی زمین کشاورزی دید که از شدت خستگی عرق از بدنش جاری شده است. آن شخص جلو رفت تا امام را نصیحت و از کار منع کند. اما امام صادق(ع) در جواب او گفت: کار (کشاورزی) کردن عبادت است.<sup>۳</sup>

آیت الله مدرس به تولید ملی اهمیت می‌دادند و می‌گفت تمام لباس‌هایم ایرانی است. حتی گاندی رهبر هند، زمانی که هزاران کیلومتر از وطن خویش فاصله گرفت تنها نمک کشور خودش را مصرف می‌کرد. این سخنان اهمیت تولید ملی را بیان می‌کنند تا کشور با اتکا بر توان و نیروی انسانی خود قله‌های پیشرفت را طی کند.

۱- سوره مبارکه طه، آیه ۱۳۱.

۲- کد خبر: ۷۳۹۹۸: ۱۳۹۱/۱/۲۴ . [www.khabarfarsi.com](http://www.khabarfarsi.com) - پایگاه

اطلاع‌رسانی خبر فارسی،

۳- بیانات حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی، شبکه قرآن سیما، ساعت پخش:

۱۴، ۱۲/۳/۱۳۹۱.

کردن بنگاه اقتصادی و ... است. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۱۵)

آنچه بیش از هر چیز در سال های اخیر در کشورهای پیشرفته مورد توجه قرار گرفته، سرمایه انسانی بوده است. منابع انسانی دو نقش اصلی در تولید و رشد اقتصادی به عهده دارند:

- نقش کار به عنوان یک عامل اولیه تولید؛
  - نقش انسانی به عنوان یک عامل فراتر از کار و سایر عوامل تولید.
- امروزه دیگر کار به عنوان یک عامل کمی در تولید و توسعه مطرح نیست بلکه توجه به کیفیت و کارایی نیروی کار و افزایش بهره وری به دلیل آثار و نتایج سودمند آن بسیار زیاد می باشد. به طور مثال بازسازی ژاپن در سال های بعد از جنگ جهانی دوم به طور عمده به اتکای سرمایه انسانی گسترده آن کشور بود نه سرمایه های وارداتی از خارج یا منابع مادی آن کشور. (مردوخی، ۱۳۶۸: شماره ۳)

مطالعات انجام شده نشان می دهد که علل عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته، به طور اساسی ناشی از تأثیر پدیده بهره وری پایین می باشد. بنابراین رشد بالای بهره وری به خصوص بهره وری نیروی کار، همه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. افزایش بهره وری نیروی کار در بخش صنعت بر روی ظرفیت تولیدی، کیفیت کالای تولید شده، کاهش هزینه ها، کاهش قیمت ها و بررسی سرمایه گذاری اثر می گذارد. بهبود بهره وری می تواند از درون دامنه گسترده ای از برنامه ها سرچشمه گیرد. برنامه هایی که توقعات عملکرد، شرح شغل و وظیفه های شغل را روشن می سازد نه تنها به کار می انجامد، که در بهتر کردن بهره وری نیز مؤثر و کارساز است.

با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده (قدرت بازو و کار مکانیکی) به سرمایه انسانی (دانش و مهارت) که اصلی ترین عامل تولید به شمار می رود، تکامل یافته است.

امروزه این حقیقت مسلم شده است که تزریق مقادیر زیادی از سرمایه های فیزیکی و مادی به کشورهای جهان سوم لزوماً موجب تسریع روند توسعه آنها نشده است، بلکه تنها کشورهایی که از یک سازمان کار آمد و درعین حال از سرمایه های انسانی متخصص برخوردار بوده اند، توانسته اند سرمایه فیزیکی و مادی را به نحو مناسب جذب و در تسریع روند رشد آن را به کار گیرند. سرمایه گذاری در نیروی انسانی و اعتلای کیفیت نیروی کار یکی از زمینه ها و راههای اصلی و اساسی افزایش بهره وری و تسریع رشد اقتصادی جامعه است. در بررسی های اقتصادی می توان گفت که سرمایه انسانی یک مفهوم کاملاً اقتصادی است در واقع خصوصیات کیفی انسان، نوعی سرمایه است؛ چرا که این خصوصیات می تواند موجب بهره وری و تولید بیشتر و درآمد و رفاه بیشتر شود.

### ب) سرمایه و منابع مادی

سرمایه به دو شکل در تولید نقش ایفا می کند:

- سرمایه به عنوان ثروت و پشتوانه کار؛
  - سرمایه به معنای منابع تولید و مواد خام.
- تولیدگر همان گونه که به سرمایه انسانی به دو شکل سرمایه فکری و سرمایه فیزیکی و بدنی نیاز دارد، لازم است تا ثروتی در اختیار داشته باشد تا بتواند منابع انسانی را به کار گیرد و آن را فعال سازد و یا منابع مادی را تهیه و در اختیار گیرد تا با فعالیت و کار انسانی در منابع مادی تغییرات مطلوب و مناسبی را انجام دهد.

نظر عده ای درباره چگونگی ایجاد ثروت این است که ثروت ترکیبی است از ماده (طبیعت و نیروی جسمانی کارگر) و فکر و چون میزان ماده محدود است و امکان افزایش ندارد، بشر ناگزیر است به وسیله فکر مواد و قوای طبیعی را به طور مناسبی با هم ترکیب کند و ثروت به وجود آورد؛ از این رو در تحلیل نهایی می توان گفت که فکر تنها منشأ تولید ثروت است؛ یعنی اساس کار در افزایش تولید ثروت، ترقی فنی؛ و مبنای ترقی فنی، پیشرفت فکری است و در حقیقت پیشرفت فنی و به دنبال آن افزایش تولید ثروت، چیزی نیست جز تجسم فکر خلاق بشر و دانش وی در واقعیت های

مادی و پدیده های هستی. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۱۵)

بسیاری از کشورهای جهان دارای مواد خام و منابع مادی هستند. به عنوان نمونه کشورهای آفریقایی غنی ترین منابع مادی را در اختیار دارند و با آن که حتی نیروی انسانی در حد مطلوبی را نیز دارا می باشند، ولی به سبب فقدان سرمایه نخستین یعنی ثروت و پشتوانه کار و تولید، نمی توانند از منابع خام خود استفاده کرده و آن را فرآوری نمایند و به تولید محصولات برسانند. در برخی دیگر از کشورها، منابع انسانی و حتی ثروت و سرمایه در اختیار است، ولی فاقد منابع مادی و خام است تا بر آن، کار اقتصادی و تولید و فرآوری انجام گیرد. به عنوان نمونه ژاپن و بسیاری از کشورهای اروپایی فاقد منابع خام مادی هستند.

کشورهایی می توانند سخن از استقلال همه جانبه بزنند که از نظر اقتصادی دارای استقلال اقتصادی باشند و از سرمایه انسانی (فکری و بدنی) و سرمایه مادی (ثروت و منابع خام) برخوردار باشند. خداوند در آیاتی از قرآن همچنان که از انسان ها می خواهد تا از سرمایه های انسانی خود بهره گیرند و به آبادانی زمین بپردازند، همچنین خواهان سرمایه گذاری از ثروت و مالی می شود که در اختیار ثروتمندان است. یکی از دلایل مخالفت اسلام با مسئله تکاثر و جمع و کنز آن (سوره تکاثر) لزوم سرمایه گذاری مال و ثروت در تولید است. همچنین خداوند خواهان آن است که منابع خام که گاه از آن به انفال و فی نیز یاد می شود، در اختیار دولت اسلامی باشد، زیرا این امکان را به دولت می بخشد تا با سرمایه گذاری آن در تولید و آبادانی زمین، امکان بهره وری و بهره مندی بیشتر مردم را فراهم آورد. از نظر اسلام سرمایه گذاری ثروت و منابع، امری بسیار پسندیده و اسلامی و محبوب است و هرگونه تکاثر و ذخیره ثروت و مال و عدم گردش آن جایز نمی باشد. اصولاً وضع برخی از قوانین چون خمس و زکات دارای حکمت های متعدد و متنوعی است که یکی به خاطر جلوگیری از کنز آن است؛ زیرا به این شکل گردش ثروت و سرمایه انجام می گیرد و ثروت و مال در تولید به کار گرفته می شود.<sup>۱</sup>

از نظر قرآن ثروت اندوزی و عدم به کاراندازی آن در حوزه تولید اقتصادی، عامل مهمی در زوال و فروپاشی جامعه است و تحولات منفی و بحران اجتماعی را در جوامع بشری سبب می شود.<sup>۲</sup> از این رو خواهان گردش سرمایه و ثروت در بازار کار و تولید می شود تا زمینه رشد اقتصادی و بهره مندی عمومی از ثروت و سرمایه فراهم آید.

به هر حال، از نظر اسلام و قرآن، تولید اقتصادی بر آیندکار و سرمایه ای است که می بایست بدرستی شناخته و به کار گرفته شود تا رشد اقتصادی و شکوفایی تمدنی فراهم آید. از این رو رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت اما خامنه ای، خواهان توجه به تولید ملی در سایه بنار حمایت از کار و سرمایه ایرانی می شود تا اقتصاد اسلامی مستقل در کشور شکل گیرد و ایران اسلامی بتواند استقلال همه جانبه خود را تضمین و حمایت کند و الگویی برای جهانیان معرفی نماید. (پوریا، ۱۳۹۱: ۶)

## ۵- عوامل رشد اقتصادی

سه عامل اساسی در میزان رشد اقتصادی یک کشور وجود دارند که عبارتند از:

الف) رشد نیروی کار (ب) رشد سرمایه موجود (ج) پیشرفت تکنیکی  
افزایش در تعداد افرادی که کار می کنند، رشد نیروی کار خوانده می شود که در نهایت منجر به رشد اقتصادی کشور می گردد. لذا

این مسئله در جای خود می تواند باعث افزایش تولید سرانه گردد و همچنین تأثیر بالقوه ای در رفاه اجتماعی داشته باشد. (یارمند، ۱۳۷۲: ۲۲۳) رشد نیروی کار خود به فاکتور های زیر بستگی دارد: افزایش طبیعی جمعیت: از طریق افزایش میزان تولد به میزان مرگ در نظر گرفته می شود. مهاجرت بین المللی: رفت و آمد مردم بین کشور ها به میزان زیادی که از طریق درجه پویایی نیروی کار بین ممالک معین می شود.

میزان مشارکت: نسبت بین جمعیت فعال از نظر اقتصادی به کل جمعیت را میزان مشارکت گویند.

(یارمند، ۱۳۷۲: ۲۲۴)

۱ - سوره مبارکه انفال، آیات ۴۱ و ۴۰، سوره مبارکه حشر، آیات ۶ و ۷، و آیات دیگر قرآن.

۲ - سوره مبارکه محمد، آیه ۳۸.



رشد اقتصادی موقعی رخ می دهد که:

- تعداد ماشین آلات و تجهیزات (سرمایه فیزیکی) مورد استفاده در اقتصاد افزایش یابد؛
- منابع طبیعی اضافی کشف شود؛
- متوسط سطح مهارت یا کارآیی نیروی کار افزایش پیدا کند؛
- تکنولوژی یا دانش اجتماعی گسترش یابد. (سبحانی، ۱۳۷۲: ۹۰)

بیشتر کشورهای دنیا رشد اقتصادی را به عنوان هدف اصلی خود در نظر می گیرند زیرا:

رشد اقتصادی به افزایش زندگی استاندارد می انجامد. از آن جا که رشد اقتصادی موجب بالا رفتن درآمد واقعی سرانه می گردد، بنا بر این مقادیر بهتر و یا کیفیت بهتر کالاها و سرویس ها در دسترس هر مصرف کننده قرار می گیرد.

رشد اقتصادی می تواند باعث برطرف کردن فقر شود.

موجب توزیع مجدد درآمد می شود بدون آن که فردی متضرر گردد. روی این نکته بایستی تأکید کرد که رشد اقتصادی لزوماً به تنهایی نمی تواند توزیع درآمد را بهبود بخشد. هنگامی که رشد اقتصادی به وقوع می پیوندد امکان دارد که تغییر توزیع درآمد به عنوان تلاشی در جهت انجام مساوات بیشتر باشد بدون آن که فردی متضرر گردد.

(یارمند، ۱۳۷۲: ۲۲۵)

## ۶- اهمیت و ارزش منابع انسانی در سازمان

بدون شک منابع انسانی شریفترین، مهمترین و با ارزشترین عوامل تولید هستند که به کمک وسایل و امکانات مادی به اهداف و خواسته های سازمان، که همانا تولید محصولات (کالاها یا خدمات) باشد، جنبه تحقق می بخشد.

از آنجا که نیروی انسانی شامل عوامل غیر قابل لمس و زیبای زندگی انسان ها می شود، لذا نمی توان آن را با همان ترازویی که ارزش ماده و کالای اقتصادی مورد سنجش قرار می گیرد، سنجید. لذا بایستی مقدار مؤثر و مورد لزوم نیروی انسانی را بر مبنای معنویت و به عنوان آن نیروی اقتصادی که دارای انگیزش عالی، مترقی و آزموده است مورد ارزیابی قرار داد.

انسان مهمترین سرمایه سازمان است. چنان چه عامل انسانی را از سازمان حذف کنیم، آن چه باقی می ماند، یعنی عوامل و امکاناتی چون ساختمان ها، ماشین آلات، تجهیزات، دودکش ها، ابزار و ادوات، مواد و غیره به خودی خود قابل استفاده نبوده و ارزش نخواهند داشت. انسان است که به آنها روح دمیده و از آن ها در جهت ارتقا، بهبود و تکامل زندگی خود استفاده می برد. انسان بزرگترین و با ارزش ترین دارایی سازمان است که هرگز در تراز نامه ها و صورت های سود و زیان شرکت ها منعکس نمی گردد. در حالی که سودآوری سازمان با انسان است و انسان ها پشتوانه موفقیت یک سازمان هستند، با عامل انسانی باید در نهایت عزت و احترام برخورد شود، چرا که سرمایه های مادی، اول آن که به خودی خود قابل استفاده نیست، و دیگر آن که در صورت ضایعات قابل جبران و ترمیم اند. اغلب چنین به نظر می رسد که کارخانه ها و شرکت های مختلف بر اثر نوع و کیفیت فرآورده های خود، با یکدیگر رقابت می کنند. گر چه این مطلب به ظاهر درست است، لکن واقعیت قضیه آن است که بگوییم این سازمان ها بیشتر به لحاظ نیروی انسانی، و در رأس آن مدیران، خود با یکدیگر در رقابت هستند نه به خاطر محصولاتشان، چرا که نیروی انسانی محصولات را تولید می کنند و مدیران آن ها هستند که به محیط کارشان چنان روحی می دمند که نیروی انسانی در نهایت باروری، کار کرده و نتیجه آن را به صورت محصولات رنگارنگ و با کیفیت مرغوب برای مصرف کنندگان به بازار عرضه می دارند. در حقیقت کالاها مظاهر اندیشه و کار انسان ها هستند. در پشت محصولات، انسان های خالق و عرضه کننده قرار دارند. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۶-۱۵) کارگر انسانی است دارای شأن و مقامی والا که با کار خود به سازمان ها حیات می بخشد و در جهت تحقق هدف های مشترک و نفع جامعه گام بر می دارد. (زاهدی، ۱۳۹۰: ۷۰)

در جدول شماره (۳) پاره ای از تفاوت های اساسی بین عامل انسانی و عامل مادی بیان شده تا به اهمیت و نقش نیروی انسانی در سازمان و یا کارخانه بیشتر پی برده شود.

جدول شماره ۳- تفاوت های عامل انسانی و عامل مادی (کازمی، ۱۳۷۰: ۱۸-۱۷)

عامل انسانی سیستم انسانی (باز)	عامل مادی سیستم مکانیکی (بسته)
۱- نمی توان او را سفارش داد و یا طبق الگوتولید کرد. ۲- نمی توان او را (به ویژه بدون عواقب منفی) کنترل کرد. ۳- نمی توان او را کاملاً (یا لاقلاً در حد لازم) شناخت. ۴- خود به خود در حال تغییر مستمر و غیر قابل پیش بینی است. ۵- عموماً هر چه بیشتر کار کند ماهرتر و ورزیده تر می شود. ۶- عموماً امکان بسیار زیاد و همیشگی برای آموزش، توسعه، تکامل و تحول دارد. ۷- اندام و اعضای او عمدتاً قابل تغییر و تعویض نیست. ۸- انعطاف پذیری و قدرت تطبیق، انعطاف و اکتساب او فوق العاده زیاد است. ۹- دارای عقل، اندیشه، عاطفه و احساس است و عکس العمل های او دقیقاً قابل کنترل و پیش بینی نیست. ۱۰- کارآیی یا راندمان او ممکن است بیشتر از یک بشود.	۱- همواره می توان آن را دقیقاً بر اساس مشخصات داده شده سفارش داد یا ساخت. ۲- همواره می توان بر آن تسلط و کنترل کامل داشت. ۳- همواره می توان آن به اندازه کافی شناخت. ۴- اگر از خارج تحت تأثیر قرار نگیرد، همواره ثابت باقی خواهد ماند. ۵- هر چه بیشتر کار کند، زودتر مستهلک می شود. ۶- امکان تغییر در آن محدود است. ۷- می توان با تغییر لوازم آن را ترمیم، نوسازی و بازسازی کرد. ۸- انعطاف پذیری آن بسیار محدود است. ۹- عکس العمل های آن کاملاً و دقیقاً قابل پیش بینی و کنترل است. ۱۰- کارآیی یا راندمان آن هرگز به یک نمی رسد و همواره کوچکتر از یک است.



۷- مشارکت منابع انسانی در ارزش افزوده

ارزش افزوده عبارت است از ارزش ان کالا یا خدمت منهای ارزش کالاها و خدمات واسطه ای به کار رفته در آن. (نظری، اقتصاد کلان، ۱۳۸۸: ۴۰)

کارکنان ارزش افزوده را ایجاد می کنند. این کارکنان در سطوح مختلف سازمان بینش ها را خلق می کنند، ارزش ها و مأموریت ها را تعریف می کنند، اهداف را تعیین می کنند، طرح های استراتژیک را طراحی و آن طرح ها را مطابق با ارزش های مشخص شده اجرا می کنند. بخش منابع انسانی به خلق ارزش افزوده از طریق جذب کارکنان با شایستگی های لازم و با انگیزه کمک می کند. هم چنین با کمک به خلق یک فرهنگ و محیطی که موجب افزایش کیفیت عملکرد می گردد، در افزایش ارزش افزوده مشارکت می کند. باور این که منابع انسانی می تواند موجب تقویت ارزش افزوده گردد، باعث توجه سازمان به افزایش انگیزه کارکنان، افزایش تعهد آن ها، مهارت ای آن ها و عملکرد و مشارکت آنها می گردد. با سرمایه گذاری روی منابع انسانی و روی مسایلی چون، آموزش، پاداش و منافع کارکنان می توان به ارزش افزوده بیشتری دست یافت. بخش منابع انسانی، به وسیله یکی از چهار طریق زیر می تواند پیشگام شود و بهترین بهره برداری را از این فرصت کرده و ارزش افزوده ایجاد کند:

- ۱- از طریق تسهیل تغییر و پیشنهاد استراتژی ها و برنامه هایی برای ایجاد و توسعه فرهنگی از نظر کیفیت بهتر، مشتری محورتر و عملکردگرا و همچنین از طریق ایفای نقشی عمده در اجرای آن استراتژی ها و طرح ها؛
  - ۲- از طریق مشارکت ویژه در حوزه های برنامه ریزی منابع انسانی، جذب نیرو، آموزش و پرورش، مدیریت عملکرد، پاداش و روابط کارکنان؛
  - ۳- از طریق تضمین این که به هر طرح منابع انسانی در حوزه هایی چون آموزش و پرورش به دیده یک سرمایه گذاری مناسب نگریسته می شود که بازده آن بالاست و ارزش افزوده ایجاد خواهد کرد؛
  - ۴- از طریق ارائه خدمات منابع انسانی به صرفه مثل ایجاد ارزش در قبال پول. (آرمسترانگ، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۵۹)
- استعدادهای منحصر به فرد کارکنان مثل عملکرد بهتر، بهره وری، انعطاف پذیری، خلاقیت و توانایی ارائه سطح بالایی از خدمات مستقیم به مشتری از جمله روش هایی هستند که کارکنان می توانند نقش کلیدی در ایجاد موقعیت رقابتی یک سازمان ایفا کنند.

۸- بهره وری نیروی کار

از نظر اقتصادی مقدار محصول یا خروجی، تابع عوامل سرمایه یا نیروی کار فرض می گردد. یعنی اگر فرض کنیم: مقدار تولید را با  $Q^1$ ، مقدار سرمایه را با  $K^2$ ، و مقدار نیروی کار را با  $L^3$ ، نشان دهیم آن گاه مقدار تولید عبارت است از مقدار سرمایه و نیروی کار، یعنی:  $Q = (K \text{ و } L)$

لذا افزایش مهارت نیروی کار و یا تغییرات تکنولوژی و یا افزایش مهارت به همراه بهبود تکنولوژی می تواند موجب افزایش مقدار تولید و حرکت

- 1 - Quantity
- 2 - Capital
- 3 - Labor

تابع تولید به سمت بالاتر و در نهایت موجب افزایش بهره وری شود.

به طور کلی؛ امروزه نگرش اقتصادی، فنی و فرهنگی نسبت به تولید است پس در آن انسان فعالیت های خود را هوشمندانه و خردمندانه انجام می دهد تا بهترین نتیجه را با کمترین هزینه و در مدت زمان کمتر به دست آورد. (طاهری، ۱۳۹۰: ۲۶)

رشد اقتصادی تنها بستگی به اندازه و میزان نیروی انسانی ندارد، بلکه به کارایی آن نیز بستگی دارد. بهبود در کیفیت نیروی انسانی موجب می شود که از یک طرف عامل کار، ماهر تر و کارآزموده تر گردد و از طرف دیگر بهبود و پیشرفت در دانش و تکنولوژی نیز سبب می شود تا عامل سرمایه کارا تر و مولدتر گردد. هر قدر نیروی کار از آموزش بیشتری بهره جوید و هر قدر این آموزش مفیدتر باشد، بهبود در کیفیت نیروی کار در افزون ساختن میزان تولید تأثیر بیشتری خواهد داشت، زیرا تولید بیشتر، در گرو نیروی کار ماهر و آموزش دیده است. به این دلیل که آن دسته از نیروی کار که از تحصیلات و مهارت های بیشتری برخوردارند، بالقوه عامل تغییر و نوآوری هستند و این امر قدرت رقابت را افزایش می دهد. عامل اصلی نازل بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، در حقیقت سرمایه گذاری اندک در سرمایه های انسانی است و تا زمانی که این کشورها آموزش و افزایش سطح مهارت های حرفه ای را ارتقا نداده اند، بازدهی و کارایی نیروی کار و سرمایه در سطح نازلی باقی می ماند و رشد اقتصادی با کندی و با هزینه های سنگین تر صورت می گیرد.<sup>۱</sup>

مدیران منابع انسانی یک سازمان می توانند با کاهش هزینه ها یا افزایش تولید و کارایی، به افزایش بهره وری و سودبخشی یک سازمان کمک کنند. نمونه هایی از اقدامات مدیران منابع انسانی برای سود بخشی یک سازمان عبارتند از:

۱- کاهش اضافه کاری های غیر ضروری با افزایش راندمان کار در ساعات عادی؛

۲- اتخاذ تدابیری برای کاهش غیبت و مرخصی های به ظاهر موجه و کنترل آن ها؛

۳- طراحی صحیح مشاغل برای جلوگیری از اتلاف وقت کارکنان؛

۴- جلوگیری از ترک سازمان با مدیریت صحیح و برقراری روابط انسانی و اجتماعی سالم و فراهم کردن محیط مناسبی که باعث خشنودی و رضایت کارکنان شود؛

۵- طراحی یک سیستم بهداشت و ایمنی مؤثر و نظارت دقیق بر آن؛

۶- آموزش مهارت های لازم به منظور تربیت کارکنانی که حداکثر بازدهی را داشته باشند؛

۷- یافتن و استخدام شایسته ترین فرد ممکن برای هر شغلی و در هر سطحی؛

۸- طراحی سیستمی برای پرداخت حقوق و مزایا که بتواند در جذب و نگهداری نیروهای کار با سایر سازمان ها رقابت نماید؛

۹- تشویق متصدیان مشاغل، به گونه ای که زمینه مساعدی برای ابراز نظر هایشان درباره کاهش هزینه ها فراهم آید. (سعادت، ۱۳۸۶: ۷)

با توجه به حضور و دخالت عامل انسانی در تمام مراحل تولید، مدیریت منابع انسانی می تواند با طراحی برنامه ها و سیستم هایی برای به کارگیری شایسته نیرو های سازمان، نقش مهمی در بقا و کارایی سازمان ایفا کند. فرماندهان عالی مقام ارتش ها معتقدند که در جنگ ها ابتدا انسان ها مقدم و مهمند، ابزار، ادوات و ماشین های جنگی در درجه دوم اهمیت قرار دارند، و ارتش ها باید به کارایی نفرت خود افتخار کنند نه به سلاح ها و جنگ افزار هایشان (اعم از کمی و کیفی)؛ زیرا سلاح ها نمی توانند به اندازه افرادی که پشت سلاح ها هستند مؤثر و کارآمد باشند. کیفیت، کارایی و بهره وری بالا در استفاده از سلاح ها مؤثرتر از خود سلاح هاست، و این واقعیت بزرگی است. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۸)

## ۹- دانش محوری در تولید

استفاده حداکثری از ظرفیت های تولید ملی بدون اشتغال نیروهای انسانی و بلکه ارتقاء آنها از طریق دانش و مهارت ممکن نیست. این نیز جهت دیگری است که تمرکز بر تولید به کاهش بیکاری و فقر، رشد دانش و مهارت ها و افزایش بهره وری نیروی کار

منجر می شود. بلکه می توان گفت توانمندی تولیدی مقصدی است که بی شک از راه دانایی محوری می گذرد. تنها در یک حالت افزایش تولید بدون دانش محوری ممکن است و آن بسنده کردن به خام فروشی منابع طبیعی و سرمایه های ملی است که در ظاهر تولید اقتصادی کشور را بالا می برد، اما استفاده حداکثری از نیروی انسانی (شاخص اشتغال) و کیفیت آن (شاخص دانش و مهارت) را تغییر نمی دهد.<sup>۲</sup>

## ۱۰- تولید داخلی تولید اقتدار می کند

رشد توان تولیدی یک نقش منحصر به فردی را بازی می کند و آن نقش توان تولید اقتصادی در اقتدار سیاسی بین المللی است. چندین دهه است که سیادت ظاهری نظم جهانی در دست کشورهایی است که پیش تر در عرصه تولید اقتصادی به قدرت تبدیل شده اند. البته گرفتاری این قدرت ها به ظلم ها و فساد های بزرگ موجب شده که در آینده ای نه چندان دور شاهد زوال هیمنه آنها باشیم، اما به هر حال رشد توان تولیدی یک کشور در سرآمدی اقتصادی و در نفوذ در مجامع بین المللی و مصونیت آن در امنیت تأثیری بسزا دارد. اقتصادی که بنیه تولیدی ضعیف و وابستگی های راهبردی داشته باشد، توان پایداری بر موضع عزت و مستقل خود ندارد و به زودی در برابر فشارهای خارجی تسلیم خواهد شد.

رشد توان تولیدی در عرصه علمی و فکری و در حوزه های فرهنگی و محصولات دفاعی - امنیتی و مانند آن، همگی موجب پویایی ظرفیت های داخلی و سرآمدی و اثرگذاری ایران اسلامی در سطح جهانی خواهد شد.

رشد تولید همیشه منوط به استفاده بیشتر از سرمایه، انرژی، نیروی کار و منابع طبیعی نیست، بلکه وضعیت بهینه آن است که با استفاده بهره ور از منابع موجود، تولید بیشتری صورت دهیم؛ اما با توجه پایین بودن نرخ بهره وری در کشور، با راه افتادن لوکوموتیو بهره وری بی تردید قطار تولید ملی نیز توان و سرعتی دوچندان خواهد گرفت.<sup>۳</sup>



## ۱۱- نقش منابع انسانی در تولید ملی در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی

یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمی‌گردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را، آنچنان که شایسته‌ی آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاشهای دشمن ناکام خواهد ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان، با برنامه‌ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند و در این میدان پیش برود، بدون تردید بر چالشهایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین مسئله تولید ملی، مسئله مهمی است.

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم حل خواهد شد؛ مسئله اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد.

بنابراین همه مسئولین کشور، همه دست‌اندرکاران عرصه اقتصادی و همه مردم عزیزمان را دعوت می‌کنم به این که امسال را سال رونق تولید داخلی قرار بدهند. بنابراین شعار امسال، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» است. ما باید بتوانیم از کار کارگر ایرانی حمایت کنیم، از سرمایه‌سرمایه‌دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان‌پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه اینها مهمتر است - مصرف تولیدات داخلی است.<sup>۱</sup>

اگر دستهای کارگر، مغزهای کارگر، انسانهای کارآفرین، نیروی انسانی ماهر در یک جامعه‌ای گرمای داشته شود، آن جامعه پیشرفت خواهد کرد. این که نبی مکرم اسلام دست کارگر را بالا می‌آورد و می‌بوسد، این فقط تقدیر از یک شخص نیست؛ این ارزش‌گذاری است، این درس است؛ به ما می‌گوید که دست کارگر، تولیدگر و نیروی انسانی آن قدر ارزش دارد که کسی مثل وجود مقدس پیامبر - که همه آفرینش طفیل وجود اوست - خم می‌شود و دست او را می‌بوسد؛ این درس به ماست.

کار به معنای وسیع کلمه، شامل کار یدی، کار جسمی، کار فکری، کار علمی، کار مدیریتی، در واقع محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه است؛ این را باید همه‌مان بدانیم. اگر کار نباشد، سرمایه، مواد، انرژی، اطلاعات، هیچکدام برای انسان مفید نخواهد بود. کار است که مثل روحی می‌دمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه، و آن را تبدیل می‌کند به یک موجود قابل مصرف، تا انسان‌ها بتوانند از آن استفاده کنند. ارزش کار، اینهاست.

اسلام با کارگر صادق است، روراست است، منطقی دارد. کار، ارزش‌آفرین است؛ ارزش است. در روایتی حتی دانش، موهون کار می‌داند.<sup>۲</sup> در این روایت - که یک بیان نمادین و سمبلیک است - می‌فرماید: دانش، کار را صدا می‌زند؛ اگر کار پاسخ داد، دانش می‌ماند و توسعه پیدا می‌کند؛ اگر کار پاسخ نداد، دانش هم می‌رود. ببینید چه بیان زیبایی است. یعنی پیدایش دانش، پایداری دانش، پیشرفت دانش، وابسته به کار است. اینها منطقی است، اینها مبنای فکری است؛ اسلام اینجوری است. اسلام با قشر کارگر، صادقانه برخورد می‌کند. سرمایه هم عدل کار است. اگر سرمایه نباشد، کار تحقق پیدا نمی‌کند؛ اینها دوتا بالند، که تولید ملی با این دو بال حرکت می‌کند. سرمایه ایرانی هم احترام دارد، کار ایرانی هم احترام دارد. نتیجه سرمایه و کار عبارت است از تولید ملی. این باید تحقق پیدا کند.

ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرفها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد.<sup>۳</sup>

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱: ۱/۱/۱۳۹۱.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶.

۳ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش: ۱۰/۲/۱۳۹۱.

## ۱۲- نتیجه گیری

عزت و سربلندی یک ملت در پناه استقلال، خودباوری و استفاده از تولید و دسترنج خود شکل می گیرد. از طرفی کشوری که وابستگی به دنیای خارج داشته باشد، نمی تواند در شرایط اضطراری و محدود کننده توانایی های لازم را داشته باشد. شعار سال جاری فرصتی بسیار مغتنم برای تقویت سرمایه اجتماعی و تولیدات ملی است. در تولید ملی علاوه بر توجه به منابع مادی باید توجه خاص و ویژه ای به منابع انسانی داشت. بدون تردید عامل انسانی شریفترین، مهمترین و با ارزش ترین عامل بین عوامل و منابع مختلف تولید می باشد. این عامل به همراه عوامل و امکانات مادی (همچون پول، مواد خام و اولیه، ابزار و وسایل، ماشین آلات و تجهیزات، ساختمان و مکان و غیره) به اهداف و خواسته های سازمان ها که ارائه بازده و محصولات با حداکثر کارآیی، به مردم جوامع به صورت کالا ها و خدمات است، جنبه تحقق می بخشد. انسان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین است و دارای خرد، اندیشه، احساس و عاطفه می باشد.

منابع انسانی مهمترین عامل در جهت نیل به اهداف سازمانی به شمار می روند، زیرا سایر منابع وارده به سازمان به خودی خود نخواهند توانست اهداف سازمانی را تحقق بخشند. نیروی انسانی به عنوان عامل پویایی و تحول اجتماعی و پیشرفت شناخته شده است. آن چه که می تواند حیات بالقوه و روبه رشد سازمان ها و حکومت ها را تضمین نماید، استفاده از توان و تولید ملی و لازمه آن استفاده از نیروی انسانی با انگیزه و حرفه ای می باشد که باعث می شود جوامع بتوانند به سطح قابل قبولی از بهره وری برسند. امید است در سال تولید ملی با بهره گیری از نیروی انسانی متخصص و خلاق در کنار سایر منابع تولید، شاهد اقتدار، پیروزی و سرفرازی کشور عزیزمان ایران اسلامی باشیم.

## ۱۳- پیشنهاد ها

- بهره گیری و حمایت از نیرو های انسانی متخصص و خلاق؛
- ارزش نهادن به کار و تلاش و فرهنگ سازی؛
- ایجاد کانون توسعه منابع انسانی ملی برای کل سازمان های دولتی و خصوصی؛
- ایجاد حمایت عمومی و سیاسی از توسعه منابع انسانی؛
- آموزش و توانمند سازی نیروی انسانی؛
- حفظ و نگهداری نیروی انسانی همراه با دادن امتیازات مورد نیاز نیروی انسانی.

## منابع:

۱. قرآن کریم .
۲. نهج البلاغه .
۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).
۴. آرمسترانگ، مایکل، (۱۳۸۴)، مدیریت استراتژیک منابع انسانی (راهنمای عمل)، ترجمه محمد اعرابی و داوود ایزدی، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
۵. پوریا، علی، (۱۳۹۱)، عنوان مقاله: عوامل کلیدی در تولید اقتصادی، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۲۰۴، ۱۳۹۱/۲/۲۰، صفحه ۶، تهران.
۶. روزبهان، محمود، (۱۳۸۸)، تئوری اقتصاد کلان (۱)، جلد اول، انتشارات تابان، چاپ سی و چهارم، تهران.
۷. روزبهان، محمود، (۱۳۸۸)، تئوری اقتصاد کلان (۲)، جلد دوم، انتشارات تابان، چاپ ششم، تهران.
۸. رهنمای رودپشتی، فریدون، محمدزاده، نصرت الله، (۱۳۸۷)، توسعه منابع انسانی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، تهران.
۹. زاهدی، شمس السادات، (۱۳۹۰)، روابط صنعتی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، تهران.
۱۰. سبحانی، حسن، (۱۳۷۲)، اقتصاد کار و نیروی انسانی، انتشارات سمت، تهران.
۱۱. سعادت، اسفندیار، (۱۳۸۶)، مدیریت منابع انسانی، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، تهران.
۱۲. طاهری، شهنام، (۱۳۹۰)، بهره وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان ها، انتشارات نشر هستان، چاپ هیجدهم، تهران.
۱۳. کاظمی، بابک، (۱۳۷۰)، مدیریت امور کارکنان (اداره امور استخدامی و منابع انسانی)، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول، تهران.
۱۴. مانسوشیتا، کونوسکه، (۱۳۷۲)، نخست انسان سپس کالا (عامل انسانی در کسب و کار)، ترجمه محمد علی طوسی، انتشارات انجمن مدیران صنایع، چاپ اول، تهران.
۱۵. مردوخ، بایزید، (۱۳۶۸)، عنوان مقاله: نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۳، تهران.
۱۶. نظری، محسن، (۱۳۸۸)، اقتصاد خرد، انتشارات نگاه دانش، چاپ بیستم، تهران.
۱۷. نظری، محسن، (۱۳۸۸)، اقتصاد کلان، انتشارات نگاه دانش، چاپ بیستم، تهران.
۱۸. یارمند، محمد سعید، (۱۳۷۲)، عنوان مقاله: رشد اقتصادی و توسعه، کتاب مجموعه مقالات نیروی انسانی متخصص و توسعه، مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیر کبیر (پلی تکنیک تهران)، تهران.